

8 نکته در مورد حجر بن عدی

کشتیم و کفن کردیم و برآن‌ها نماز خواندیم و دفنشان کردیم!



گردآوری و تنظیم: رضا صابری خورزوقی

1 - کشتیم و کفن کردیم و برآن‌ها نماز خواندیم و دفنشان کردیم!

در احتجاج طبرسی، ج 2، ص 19 و کشف الغمّه، ج 2، ص 240 آمده است: در سالی که معاویه پس از قتل حجر به مکه آمده بود، حسین بن علی علیه السلام را ملاقات کرد. به امام حسین علیه السلام گفت: آیا خبر دار شدی که با حجر و یارانش و پیروان او و شیعیان پدرت چه کردیم؟

امام پرسید: چه کردید؟

معاویه از روی طعنه و استهزا گفت: آنان را کشتیم، کفن کردیم و بر آنان نماز خواندیم و به خاک سپردیم.

حسین بن علی(ع) خنده‌ای کرد و فرمود: ای معاویه! آنان روز قیامت با تو به دشمنی بر می‌خیزند. ولی... ما اگر پیروان تو را می‌کشتیم، نه کفن می‌کردیم، نه بر آنان نماز می‌خواندیم و نه به خاک می‌سپردیم! (یعنی آنان را مسلمان نمی‌دانیم)

2 آیا شیطان اجازه می‌دهد که عمه‌های یهود عبرت بگیرند

ابن اثیر، در صفحه 24 از جلد 4، الکامل، آورده است: وقتی مختار در کوفه قیام کرد، کسانی را در پی محمد بن اشعث (از عوامل تحویل دهنده حجر به زیاد) فرستاد. او گریخته بود. به دستور مختار خانه‌اش را ویران کردند و با خشت و گل آن، خانه حجر بن عدی را که ابن زیاد خراب کرده بود، بازسازی کردند.

3 خشم خدا و ملائک به نفع شهدای مرج العذرا

ابن حجر، در «؛الاصابه؛ ج 1، ص 329 نوشته است: وقتی معاویه به سفر حج رفت، به مدینه آمد. می‌خواست به دیدار عایشه رود. عایشه اجازه نمی‌داد و اعتراضش یکی بر کشته شدن محمد بن ابی‌بکر بود، یکی هم بر شهادت حجر، که هر دو به دست معاویه انجام گرفته بود. معاویه آنقدر عذر خواهی کرد تا عایشه راضی شد. عایشه برای معاویه این حدیث پیامبر را خواند که فرموده بود: در مرج العذراء گروهی کشته می‌شوند که خداوند و آسمانیان به نفع آنان خشمگین می‌شوند.

4 ما را مثل کافران می‌کشند! و مثل مؤمنان دفنمان می‌کنند

در کتاب «؛الدرجات الرفیعه؛ ج 1، ص 428 آمده است: بارها از حجر و یارانش خواستند که از امیر المومنین علی(ع) بی‌زاری بجویند تا آزاد شوند؛ ولی آنان زیر بار نرفتند و پذیرای شهادت در راه عشق مولا شدند. قبرهایی برای آنان کردند، کفن‌هایشان را آماده ساختند. حجر گفت: مثل این که کافریم، ما را می‌کشند و مثل آن که مسلمانیم، ما را کفن می‌کنند!

5 اول کسی که در «؛مرج العذرا؛ تکبیر گفت را همانجا! کشتند

در اعیان الشیعه، ج 4، ص 580 می‌گوید: سرزمین مرج العذراء (منطقه‌ای سرسبز در حدود 20 کیلومتری دمشق) که بازداشتگاه حجر و یاران او شده بود، از جهتی برای حجر بن عدی، عزیز و خاطره‌انگیز بود. در فتح این سرزمین و گسترش دامنه اسلام به آن سامان، حجر بن عدی نقش داشت. در زمان خلیفه دوم آن دیار، آغوش به روی اسلام گشود. وقتی حجر را دست بسته به مرج العذراء آوردند و نام آن جا را پرسید و فهمید، گفت: من اولین مسلمانی بودم که در این منطقه تکبیر گفتم و خدا را یاد کردم، اینک دست بسته و اسیر مرا به این جا آورده‌اند!

6 فرزندم را زودتر از من به قتل برسان

«؛#171؛لبیب وجیه بیضون؛ ج 1، ص 171؛ حجر بن عدی الکندی، راهب اصحاب محمد؛ ج 1، ص 171؛ می‌نویسد: طبق برخی نقل‌ها، فرزند حجر به نام «؛همام؛ نیز همراه پدر بود. حجر به جلاد گفت: اگر به کشتن پسر هم نام نیز مأموریت داری، او را زودتر از من به قتل برسان. جلاد نیز چنین کرد. وقتی به حجر گفته شد چرا چنین خواستی و داغدار فرزند نوجوان خویش شدی، گفت: ترسیدم وقتی شمشیر را بر گردن من ببیند وحشت کند و دست از ولای امیرالمؤمنین بردارد و در نتیجه، در روز قیامت من و او در بهشت برین که خداوند به صابران وعده داده است، همراه هم نباشیم.

7 ذیرکی حجر

در شرح نهج البلاغة: جلد 4 صفحه 58 آمده است: «؛#171؛ یعقوب، قال: حدثنا ابن عیینة. قال: حدثنا طاووس، عن أبیه، قال: أنبأنا حجر بن عدی قال: قال لي علي (عليه السلام) كيف تصنع إذا ضربت وأمرت بلعنتي؟ قلت له: كيف أصنع؟ قال العني ولا تبرأ مني، فإني على دين الله. قال: ولقد ضربه محمد بن يوسف، وأمره أن يلعن عليا! وأقامه على باب مسجد صنعاء، قال: فقال: إن الأمير أمرني أن ألعن عليا، فآلعه لعه الله. فرأيت مجاوزا من الناس إلا رجلا فهمها وسلم.

حجر بن عدی خبرداد به ما که روزی علی (ع) به من گفت:

چه می‌کنی اگر تو را بزنند و فرمان بدهند مرا لعن کنی؟ به آنحضرت عرض کردم: چه کنم؟

فرمود: لعن کن ولی از من بی‌زاری منما که من بر دین حق هستم.

راوی(ابو طاووس) گفته است: محمد بن یوسف حجر را می‌زد و از او می‌خواست که علی(ع) را لعن کند. او را در جلو درب مسجد

صنعا ایستاند و از او خواست که علی(ع) را لعن کند. حجر گفت: امیر به من فرمان داده است که علی(ع) را لعن کنم. پس، لعنش کنید، که خدا لعنش کند و منظور او را کسی نفهمید و آنجا جان سالم به در برد.

8 حجر بن عدی کیست

حجر بن عدی کندی از جمله اصحاب پیامبر اسلام(ص) و از یاران صدیق و باوفای امیرمومنان(ع) بود که در جنگ‌های بسیاری از جمله صفین و نهروان شرکت داشت و در رکاب امام اول شیعیان جنگید.

در جریان صلح امام حسن(ع) با معاویه نیز با اینکه خواستار نبرد بود اما به فرمان امام عصر خویش گوش فرا داد و از این دستور تبعیت کرد تا اینکه پس از شهادت امام مجتبی(ع) و گرویدن شیعیان به اباعبدالله(ع)، معاویه دستور داد شیعیان نزدیک به آن حضرت را زیر نظر گرفته و آزار و اذیت کنند که در این میان بسیاری از آنها به شهادت رسیدند و حجر بن عدی هم جزو کسانی بود که بغض و کینه امویان گریبان او را گرفت و طعم شیرین شهادت را چشید.